



مفهوم تطبیقی سلاح در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران

نادر حدیدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، مدرس دانشگاه

NH6405@Gmail.com

چکیده

مفهوم سلاح و پاسخ به این سؤال که از عموم اشیاء کدام اختصاصاً سلاح تلقی می‌شود از منظر نظام حقوقی حائز اهمیت فراوان است. قانون‌گذار ایران در قوانین مختلف همواره بدون تعیین مفهوم یا تعریفی جامع و مانع الفاظ "اسلحه" یا "سلاح" را با ذکر برخی از مصادیق به کار برده است. این شیوه تقنینی سبب اختلاف نظر و حتی تعارض در رویه قضائی و دکترین گردیده است. اختلاف در مفهوم سلاح و تعیین مصادیق آن صرفاً منحصر به حقوق کیفری ایران نبوده و در فقه نیز این وضعیت مشاهده می‌شود. تفاوت نظرات ناشی از واگذاری تفسیر عرفی مفهوم و مصادیق سلاح به لحاظ تفاوت کاربرد اشیاء در مکانها و زمانهای متفاوت و نیز فقدان نص صریح قانونی در این خصوص می‌باشد. بنظر می‌رسد در خصوص مفهوم سلاح و بررسی مصادیق آن باید ابتدا هدف از ساخت اشیاء را مدنظر قرار داد. سلاح را می‌توان به این صورت تعریف نمود: «ادواتی که هدف از ساخت آنها عرفاً بکارگیری در منازعه بوده و عمدتاً برای انتفاع در نزاع و درگیری بکار می‌روند». به عنوان راه حل اساسی پیشنهاد می‌شود قانونگذار با تصویب مقررات جدید در صدد تعریف جامعی از سلاح با ذکر شرایط و مصادیق انحصاری آن برآید. طرح الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات) نیز به لحاظ اجمال واجد ابهامات مذکور در این پژوهش می‌باشد.

واژگان کلیدی: سلاح، اسلحه، کیفری، فقه، مفهوم



مقدمه:

مفهوم سلاح در هر برهه از تاریخ، مصداقی خاص با بار معنایی ویژه‌ای را به ذهن متبادر می‌کند. در گذشته لفظ سلاح جنگی برای شمشیر و نظایر آن معنا می‌شد، ولی امروزه تا بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی شامل بمب‌های اتمی، میکروبی و... توسعه یافته است. پیشرفت تکنولوژی باعث شد مفهوم سلاح نیز با تحولی عظیم روبرو شود و در حال حاضر سلاح مشمول دایره‌ای گسترده‌تر از اشیای مانند تفنگ، خنجر و شمشیر را به خود گرفته است.

مفهوم سلاح و پاسخ به این سؤال که از عموم اشیاء کدام اختصاصاً سلاح تلقی می‌شود از منظر نظام حقوقی حائز اهمیت فراوان است. قانون‌گذار ایران در قوانین مختلف همواره بدون تعیین مفهوم یا تعریفی جامع و مانع الفاظ "اسلحه" یا "سلاح" را با ذکر برخی از مصادیق به کار برده است. این شیوه تقنینی سبب اختلاف نظر و حتی تعارض در رویه قضائی و دکترین و نظریات مشورتی گردیده است. بدین توضیح که در یک نظریه وسیله‌ای سلاح تلقی ولی در نظر دیگر همان وسیله (با اوصاف مشابه) سلاح محسوب نشده است.

تعیین مفهوم سلاح در حقوق کیفری ایران سه رویکرد مهم را نتیجه دارد: الف- در مواردی وجود سلاح خود موضوع جرم مستقلی را تشکیل می‌دهد مانند نگهداری سلاح به صورت غیرمجاز ب- در مواردی به کارگیری سلاح یکی از دلایل متشکله جرم بوده و فقدان آن ماهیت جرم را تغییر می‌دهد مانند بغی و محاربه ج- مواقعی نیز به کار بردن سلاح یکی از کیفیات مشدد عینی بوده و در میزان مجازات قانونی مرتکب مؤثر است. میزان تأثیر نیز به تبع شرایط قانونی در جرائم مختلف متفاوت است، در جرایمی مانند سرقت مسلحانه برای تشدید مجازات مرتکب ضرورتی در به کارگیری سلاح وجود نداشته و کافی است که سارق فقط مسلح باشد (ماده ۶۵۱ ق.م.ا) اما در برخی جرائم مانند تمرد نسبت به مأمورین دولت هرگاه متمرّد دست به سلاح ببرد مجازاتی سخت‌تر از موارد دیگر در انتظار او خواهد بود. (ماده ۶۰۷ ق.م.ا)

اشیای مورد بحث از منظر موضوع پژوهش، بطور کلی در یکی از سه تقسیم ذیل جای می‌گیرند: ۱- ادواتی که دارای قابلیت انتفاع جنگی بوده و عمدتاً در نزاع و درگیری بکار می‌روند، مثل تفنگ و شمشیر ۲- اشیائی که مشترکاً هم در نزاع و درگیری و هم در استفاده روزمره به عنوان ابزار کار قابلیت استفاده را دارند. مثل: چاقو، تبر، ساطور ۳- اشیائی که عمدتاً به عنوان ابزار کار و استفاده روزمره استفاده شده و نیز ندرتاً ممکن است به منظور نزاع و درگیری نیز بکار برده شوند. مثل خودرو، ظروف، تیغه موکت‌بری، قیچی

با عنایت به تأثیر مهم سلاح در تعیین ماهیت جرائم و میزان مجازات‌ها و لحاظ فقدان تعریف و رویه واحد در تبیین سلاح ضرورت پژوهش حاضر معین می‌گردد. لذا این مقاله درصدد است با شیوه‌ی تطبیقی در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران به پاسخ این اصلی سؤال بپردازد که «مفهوم سلاح و مصادیق آن در حقوق کیفری ایران چیست؟» به تعبیر دیگر آیا استفاده از اشیایی که کاربردهای متنوعی دارند (مانند چاقو، تبر و...) و نیز حیوانات (سگ، مار و...) یا صرف آتش افروزی بکارگیری سلاح تلقی می‌گردد؟

لازم به ذکر است از مقاله بررسی مفهوم سلاح در فقه و حقوق کیفری ایران به قلم توانمند آقایان مسعود بسامی و مجتبی فرهمند چاپ شده در شماره‌ی ۱۱۲ ماهنامه‌ی دادرسی (سال نوزدهم، مهر و آبان ۱۳۹۴) در پژوهش حاضر بهره‌برداری شایان توجهی به عمل آمده است.



۱- مفهوم فقهی سلاح

در خصوص واژه سلاح در لغت‌نامه دهخدا آمده است: سلاح اسم است و به معنای ابزاری است که با آن می‌جنگند. در فقه تعریفی از سلاح حتی در باب جهاد نیز ذکر نشده است به نظر می‌رسد شارع با توجه به عرف و ابزار جنگی مورد استفاده‌ی آن روزگار در جنگ‌ها نیازی به تعریف سلاح احساس نکرده زیرا مفهوم و معنای آن برای مردم روشن بوده است؛ در تعریف سلاح می‌بایست به نقش مؤثر عرف توجه خاصی مبذول نماییم.

تنها جرمی که در فقه با استفاده از سلاح محقق می‌شود، جرم محاربه می‌باشد؛ حتی در تعریف جرم بغی که شورش عیله معصوم است (شهید ثانی؛ ۱۳۹۱: ۶۷) از سلاح استفاده نشده است به نظر می‌رسد مفهوم بغی و شورش برای عموم مردم مفهوم و واضح بوده و بدین دلیل معترض آن نگردیده‌اند در حالی که معنای محاربه مجمل بوده و نیاز به تفسیر و توضیح داشته تا از صورت مجمل بودن خارج شود و با جرم بغی نیز مشتبه نگردد؛ علی‌ای حال سلاح در باب‌های جهاد، تجارت، سبق و رمایه، صید و ذباحت، ارث، صلاه و حدود مورد بحث قرار گرفته است.

آیه محاربه: انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم (مائده/۳۳)

آیه‌ی فوق قصد تعریف از سلاح و حرب را ندارد بلکه سوءنیت فرد محارب مدنظر است (که قدر متیقن نظر مفسرین در خصوص محارب عبارت است: ترساندن مردم و یا برهم زدن امنیت اجتماعی البته در معنای فساد) اما در تعریف محارب فقهاء از تجرید سلاح سخن گفته‌اند در نتیجه می‌بایست بگوئیم محارب تنها شامل فرد یا افرادی می‌شود که به روی مردم سلاح بکشند اگر استفاده از سلاح را از شرایط مادی جرم قرار دهیم (که چه با احراز قصد ترساندن مردم و چه با عدم احراز آن جرم به صورت کامل محقق می‌شود) حال اگر سلاح را جزء شرایط مادی جرم محسوب نماییم و قائل باشیم ترساندن مردم به هر وسیله‌ای جرم است آنگاه نوع ابزار مورد استفاده در تحقق جرم دخالت ندارد که بحث نماییم مصداق سلاح است یا خیر.

شهید ثانی نیز در باب حدود (موضوع محاربه) معتقد است: اگر کسی صرفاً سنگی بردارد یا عصایی به دست گیرد یا کسی را با قوت و نیرو بگیرد، محارب خواهد بود به دلیل عموم آیه؛ زیرا در محاربه سلاح هیچ خصوصیتی ندارد بلکه هر آنچه قابلیت ترساندن انسان نوعی را داشته باشد سبب تحقق جرم محاربه می‌شود.

الف- معنای سلاح در باب صید:

لا یوکل من الصید المقتول بالاله الجمادیة الا ما قتله السیف والسکین والخنجر ونحوها من الاسلحة الّتی تقطع بحدھا، أو الرمح والسهم والنشاب مما یشککه بحدّه حتی العصا الّتی فی طرفها حدیدة محدّدة، همانگونه که ملاحظه می‌شود نویسنده شمشیر، چاقو، خنجر و امثالهم را اسلحه محسوب می‌نماید اما نیزه و کمان را از مصادیق اسلحه نمی‌دانند احتمال دارد ایشان از فقهایی باشند که برای سلاح خاصیت آهن بودن را ملاک می‌دانند. (الصافی؛ ج ۲: ص ۱۶۲) ایشان همچنین در باب القتل می‌گویند: لا فرق فی القتل العمدی ظلما فی مانیته من الارث بین ما کان بفعل القاتل مباشرة بیده أو باله أو سلاح لذا نظر می‌رسد ایشان ب- سلاح را جدای از ابزار کشنده در نظر گرفته‌اند (همان: ۳۴۴) بعلاوه ایشان در خصوص وقف سلاح می‌گویند: ویصح وقف کل ما صح الانتفاع به مع بقا عینه کالاراضی والدور والعقار والثیاب والسلاح و ... همانگونه که خودشان نیز متذکر شدند وقف در صورتی صحیح است که بتوانیم با بقای عین از آن استفاده نمائیم لذا سم، فلقل و امثالهم را نمی‌توان وقف نمود زیرا قابلیت بقاء با انتفاع را ندارند همچنین وقف چوب، چماق، سنگ و ... دلیل عقلی ندارد.

ج- معنای سلاح در باب بیع:

علامه حلی می‌گوید در باب فروش سلاح و ابزار آلات جنگی می‌گوید: بیع السلاح لأهل الحرب حرام، لأنه لا یراد إلا للقتال ویجوز بیع الحدید منهم، لأنه لا یتعین للسلاح. وکذا یجوز بیع ما یکن وما هو جنه من القتال

به نظر علامه حلی سلاح ابزاری است که ویژه‌ی جنگ است و در جنگ از آن استفاده می‌شود به این دلیل فروش سلاح را به دشمن حرام می‌دانند؛ اما سپر را سلاح نمی‌دانند همچنین آهن را زیرا بالفعل سلاح نیست. (ج ۲: ۴۶۷)



د- معنای سلاح در باب جهاد:

شیخ طوسی در النهایه می‌گوید: *يَجُوزُ قِتَالُ الْكُفَّارِ بِسَائِرِ أَنْوَاعِ الْقَتْلِ، أَلَّا السَّمِ؛ فَأَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يُلْقَى فِي بِلَادِهِمُ السَّمِ* جایز است جنگیدن با کفار با انواع ایزارهای قتل بجز سم؛ پخش سم در سرزمین آنها جایز نیست
شیخ طوسی در قتال (جنگ) از کلمه‌ی *بِسَائِرِ أَنْوَاعِ الْقَتْلِ* اشاره نموده است یعنی با هر وسیله‌ای که کشنده است، حتی سم را نیز نام می‌برد؛ منظور ایشان از ذکر این عبارات تعریف معنای سلاح نمی‌باشد بلکه ایشان از وسایل کشنده نام برده‌اند که می‌توان از آنها در جنگ استفاده کرد حتی سم، اما استفاده از سم را جایز نمی‌دانند.

شهید ثانی نیز در کتاب جهاد می‌گوید: و *يجوز المحاربة بطرق الفتح، كهدم الحصون و المنجنيق و قطع الشجر...* کذا يكره بارسال الماء و ارسال النار و القاء السم؛ جنگیدن به هر شیوه‌ای که پیروزی حاصل شود جایز است مانند خراب کردن دژها، استفاده از منجنيق، قطع درختان ... همچنین جاری کردن آب، آتش ریختن بر سر آنان و به کارگیری سم هر چند مکروه است.

ایشان نیز از شیوه‌های رسیدن به پیروزی صحبت می‌کنند نه از انواع سلاح لذا آتش، سم و امثالهم سلاح نمی‌باشند

ه- معنای سلاح در باب محاربه:

مرحوم محقق اردبیلی در باب مفهوم سلاح می‌نویسد: محقق می‌شود محاربه به آشکار کردن سلاح یعنی چیزی که وسیله جنگ و کشتن است و چیزی که با آن مقابله می‌کنند و ضربه می‌زنند اگر چه عصا یا سنگ باشد به قصد ترساندن مردم، پس باید سلاح عرفی آشکار شود. همانطور که ملاحظه می‌شود محقق اردبیلی تحقق محاربه را به آشکار کردن سلاح یعنی چیزی که وسیله جنگ و کشتن است و این موضوع با چیزی که با آن مقابله می‌شود دو بحث جداگانه است حرف واو عطف کننده جمله بعدی به قبلی در خصوص شمول حکم است نه شمول موضوع یعنی استفاده از هر چیزی غیر سلاح که مردم را بترساند از مصادیق محاربه است؛ در تأیید این موضوع می‌توان به عنوان نمونه به نظر حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله اشاره داشت که مقرر داشته‌اند:
در اینکه اگر کسی با تازیانه یا چوب دستی مردم را بترساند آیا محارب است یا نه؟ محل اشکال است، بلکه محارب نبودن آنها اقرب است.

۲- تفسیر سلاح در رویه قضائی و دیدگاه علمای حقوق:

تفسیر در لغت به معنای بیان و کشف مقصود گوینده است و در علوم مختلف تقسیم بندی متعددی دارد. در این بین تفسیر حقوقی به معنای تفسیر قانون است که توسط حقوقدانان و فقها صورت می‌گیرد. هر چند اغین تفسیر مستقیماً اثر عملی نداشته و نمی‌تواند مستند مستقل قرار گیرد، ولی چنانچه مفسر مورد اعتماد قضات باشد و یا نظر تفسیری در مقام رسیدگی مقبول واقع شود به طور غیر مستقیم در اظهار نظر و روند دادرسی قضات و حتی قانونگذاران مؤثر خواهد بود قطعاً معلوم نبوده به بیان دیگر در بسیاری از موارد معنای عبارات و اصطلاحات قانونی احتمالات دیگری را نیز دربر می‌گیرد. قضات در مقام دادرسی به ناچار باید مدلول قانون را با اعمال نظر استخراج کنند، عرف قضات اصطلاحاً رویه قضائی و عقاید علمای حقوق دکتری نامیده می‌شود که هردو از منابع غیر مستقیم علم حقوق بوده و همواره در دادرسی و روند قانونگذاری تأثیر غیر قابل انکاری را دارا می‌باشد (برگرفته از ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی) ابتدا به استنباط رویه‌ی قضائی در ادامه به نظر دکترین در رابطه با مفهوم سلاح می‌پردازیم:

۲-۱ استنباط رویه قضائی از سلاح:

اداره حقوقی قضاییه در خصوص این موضوع نظریات متعددی صادر کرده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف - اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در نظریه‌ی شماره ۴۴۵۹/۷-۴۷/۱۳۷۳ در پاسخ به این سؤال که آیا قاشق غذاخوری که حالت برندگی پیدا کرده است، سلاح سرد محسوب می‌شود یا خیر؟ چنین پاسخ داده است: «با توجه به فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره‌ی ۲ ماد ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب و آیین نامه وزارت جنگ سابق، شیء مذکور را استعمال، اسلحه سرد



محسوب نمی‌شود برنده بودن اشیاء موجب اطلاق اسلحه سرد مذکور در ماد هی یک لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی بر آنها نیست» (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۸) در حکم شماره ی ۱۸۳۱-۳۶/۵/۲ ش ۳ د.ع.ک با توجه به کلمه ی برنده بودن گفته شده: دادگاه باید نوع آلت جرم را که برنده بوده در حکم خود ذکر کند.

ب- اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه ی شماره ی ۹/۶/۱۳۷۱-۷/۵۶۲۰ مقرر می‌دارد: مستفاد از آیین نامه قانون اسلحه و مهمات جنگی و مواد محترقه مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۱۷ و فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره ی ۲ ماد هی یک قانون تشدید قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۵۰ داس، بیل و چهار شاخ ابزار کار است و سلاح نمی‌باشد (ایرانی ارباطی، همان) در دو نظریه اخیرالذکر اداره حقوقی قوه قضاییه جهت تعیین مصادیق سلاح به قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح و آیین نامه وزارت دفاع اشاره نموده است. اما چنانکه خواهد آمد این استناد صحیح نمی‌باشد.

ج- در نظریه ی شماره ی ۱۳۷۸/۷/۳۲۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: گزن و موکت بر، اسلحه سرد به شمار نمی‌آید. بنابراین مرتکبین جرح با آنها از شمول بند ج ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۲۲ خارج است و لذا صدور قرار بازداشت موقت الزامی نیست. (همان)

د- مطابق رأی شماره ۲۶۵۷ مورخ ۱۳۱۷/۱۱/۳۰ شعبه ی ۲ دیوان عالی کشور: «منظور از اسلحه چیزی است که عرفاً به آن سلاح اطلاق شود و این عنوان بر چاقو صدق نمی‌کند» (زراعت، ۱۳۵۹) ولی در حکم شعبه ۲۶۵۷ دوم د.ع.ک که با گفته بالا مطابقت ندارد می‌گوید: (منظور از اسلحه چیزی است که عرفاً بر آن سلاح اطلاق شود و این عنوان بر چاقو صدق می‌کند.) (دکتر زراعت، ۱۳۹۲) در حکم شماره ۲۶۵۷-۱۳۱۷/۱۱/۲۹ که به با گفته اول موافق است ذکر شده: (اولاً: عنوان اسلحه بر چاقو صادق نیست و چاقو اسلحه محسوب نمی‌شود، بنابراین اگر متمرّد در حین حمل دست به چاقو کند مورد باشق اول این ماده منطبق نیست.

ثانیاً: اگر متمرّد درین حمل اسلحه در دست داشته باشد نمی‌شود گفت که دست به اسلحه نکرده بلکه قبلاً از حمله نیز اسلحه در دست داشته است و چنین موردی از مصادیق شق اول این ماده است.) حکم شماره ۲۶۵۷_۱۳۱۷/۱۱/۲۹ (شکری و سیروس، ۱۳۸۱) در نظریه مشورتی شماره ۱۳۸۱/۱۰/۲۹-۷/۷۸۹۴ که با گفته دوم مطابقت دارد در تعریف سارق مسلح گفته شده: منظور از سارق مسلح مذکور در ماده ۱۸۵ ق.م.ا سارقی است که عرفاً مسلح شناخته شود و شامل سارقی هم که از کارد و چاقو استفاده نماید می‌شود.

ه- رأی شماره ی ۱۶۶ مورخ ۱۳۲۷/۱۱/۳۰ شعبه ی ۲ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «شش پر مطابق قانون اسلحه به شمار نمی‌رود تا در نتیجه اتهام سرقت به وسیله شش پر سرقت مسلحانه محسوب گردد.»

(همان)

و در رأی شماره ی ۱۸۳۶ مورخ ۱۳۳۶/۵/۲ دیوان عالی کشور آمده است: «تبر سلاح محسوب نمی‌شود» (متین، ۱۳۸۲، ۱۵)

ز- رأی شماره ی ۵۷۵۶ مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۲۹ شعبه ۲ دیوان عالی کشور می‌گوید: «اسلحه خراب و غیر قابل استفاده سلاح محسوب نمی‌شود.» (متین، ۱۳۸۲)

ح- آلت جرح باید در حکم دادگاه قید شود زیرا عبارت (امثال آن) مبهم است و باید در مرجع بالاتر مورد ارزیابی قرار گیرد. (حکم شماره ۱۸۳۱-۱۳۳۶/۵/۲) (دکتر زراعت، ۱۳۹۲) و هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۸۰۸ مورخ ۱۳۳۲/۲/۲۸ و نیز اداره حقوقی وزارت دادگستری در نظریه ی مورخ ۱۳۵۳/۱۱/۳۰؛ پنجه بوکس را سلاح ندانسته است. (ایرانی ارباطی، پیشین، ص ۲۸۴) (پنجه بوکس جزء اسلحه سرد به شمار نمی‌رود تا حمل آن مستوجب کیفر باشد) حکم شماره ۳۸۰۸ هیأت عمومی مجموعه متین (شکری و سیروس، ۱۳۸۱) البته در حال حاضر طبق ماده ی ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی پنجه بوکس سلاح محسوب می‌شود.

ط- رأی وحدت رویه شماره ۳۲-۱۳۶۱/۱۲/۱۶؛ کارد را سلاح محسوب نموده است. مطابق این رأی اتهام ایراد جرح با کارد با توجه به ملاک برنده بودن از مصادیق بند ج ماده واحد قانون لغو مجازات شلاق است.



ی- رأی شماره ۱۵۸۸/۱۲ مورخ ۱۳۲۸/۷/۲۵ دیوان عالی کشور: «دفاع در صورتی متناسب با حمله است که طرفین مسلح به سلاحی شبیه یک دیگر یا در حکم شبیه یک دیگر باشند بدین معنی که هر دو چوب یا اسلحه یا آلت مشابه داشته باشند (متین، همان) به نظر می‌رسد دیوان در این رأی چوب را سلاح دانسته است.

ک- ریاست قوه قضاییه در بخشنامه‌ی شمار هی؛ قمه و چاقوی ضام ندار و نظایران را سلاح محسوب نموده است. (زرعت، پیشین)

ل- نظریه‌ی شماره‌ی ۱۳۷۹/۷/۴۰۹۹ اداره حقوقی قوه قضاییه: اسلحه آلتی است که برای جنگ یا دفاع ساخته می‌شود و در هر زمانی به مناسبت پیشرفت‌های حاصله بشری نوع آن متفاوت است. (صرف داشتن سلاح نیز کافی است و امکان استفاده از آن شرط نیست و تفاوتی ندارد که در حمل آن مجاز بوده یا نبوده باشد). (نظریه مشدرتی مورخ ۵۳/۱۱/۱۸) و نیز فرقی ندارد که، برای سرعت حمل می‌کرده یا به منظور دیگری حمل نموده باشد. (حکم شماره ۲۷۳۱ شعبه ۵. د.ع.ک. متین) ولی به هر حال کلمه اسلحه عام است و شامل سلاح‌های گرم و سرد می‌شود. و سلاح سرد دو نوع است یکی از آنان سلاحی است که کاربرد جنگی دارد و نوع دیگر کاربرد جنگی ندارد. (ایرانی ارباطی، پیشین). این نظریه نسبت به سایر نظرات رجحان داشته و منطقی می‌باشد و نگارندگان با آن موافق هستند. چنان که ملاحظه می‌شود رویه قضایی در باب مفهوم سلاح رویه واحدی را دنبال نموده است. در یک رأی برای تعیین مفهوم سلاح به عرف استناد می‌کند و در رأی دیگر سلاح را چیزی می‌داند که در قانون تصریح شده است. در نظر دیگر برنده بودن را ملاک در تعیین سلاح دانسته اما در نظر دیگر تبر را با وجود اینکه برنده است سلاح نمی‌داند.

۲- استنباط علمای حقوق (دکترین) از سلاح:

حقوقدانان نیز از سلاح تعاریفی مختلفی ارائه داده و استنباطهای متفاوتی از مصادیق آن نموده اند. برخی معتقدند سلاح چیزی است که ذاتاً کشنده و قتاله باشد، بنابراین اگر وسیله‌ای به اعتبار محل استفاده یا شخصیت مجنی علیه آلت قتاله و کارزار حساب شود صدق عنوان اسلحه درباره آن محل تردید است. (ساریخانی، ۱۳۸۴) برخی دیگر معتقدند سلاح چیزی است که در جنگ و دفاع مورد استفاده قرار می‌گیرد. (عبدالمالک جندی، به نقل از ساریخانی، همان) عده‌ای دیگر نیز بر این عقیده هستند که منظور از سلاح چیزی است که برای جنگیدن و نزاع بکار می‌رود و معنی آن از زمان و مکانی به زمان دیگر تغییر می‌یابد. بدین ترتیب باید دید که برداشت عرف از واژه سلاح چیست. عرف سلاح را اعم از گرم و سرد می‌داند. بنابراین چیزهایی مثل سنگ، بیل، داس و آتش زدن از شمول سلاح خارج است. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶)

در ترمینولوژی تعریف سلاح نیز عبارت است:

۱- از نظر اصطلاحی در مبسوط در ترمینولوژی حقوق اسلحه این گونه معرفی شده است:

اسلحه جمع سلاح است. سازهای جنگ، آلات حرب. زین افزار، اخص از سلاح است که شامل سلاح‌هایی می‌شود که رابطه با رزمنده سوار ندارد مانند عراده‌ی قلعه کوب که سلاح است ولی زین افزار نیست در اصطلاح حقوق جزا سلاح عبارت است از آلات و ادوات و ماشین آلات برنده یا له کننده یا سوراخ کننده مانند چماق، چاقو، تفنگ، مته، بمب وغیره. پاره‌ای اشیاء بالعرض سلاح است مانند عصا که دزد در مقام دفاع به فرق صاحب خانه زند. (دکتر جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳)

۲- ابزار آهنین که برای جنگ و دفاع و شکار و منازعه به کار رود. مسلحتة (بر وزن مصلحت) پادگان نظامی است (=مرصد بر وزن احمد). سلاح دو گونه است:

۱) سلاح بالتبع مانند شمشیر و تانک و توپ.

۲) سلاح بالقصد مانند چکش که به قصد جنگ و دفاع و منازعه و قتل و ضرب و جرح استعمال شود (ماده یک لایحه مجازات حمل چاقو و

انواع دیگر اسلحه سرد مصوب ۱۳۳۶). (دکتر جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳)

۳-۱ در خصوص اینکه به چه چیزی اسلحه گفته می‌شود بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد به نحوی که برخی اسلحه را محدود به سلاح آهنی همچون چاقو و شمشیر و نظایر آن می‌دانند (ر.ک. تحریر الوسیله، ج ۲) برخی سنگ و چوب و عصا را نیز سلاح می‌دانند (ر.ک. شرح لمعه، ج ۹؛ ریاض المسائل، ج ۲، و کشف الغطاء) برخی نیز صرف به کار رفتن زور و قهر و غلبه حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی را کافی می‌دانند (ر.ک. علامه حلی،



قواعد الاحکام، ج ۲) با پذیرش نظر دوم و حتی سوم می‌توان اعمالی همچون سرازیر کردن آب به خانه‌ها، یا پاشیدن و پخش مواد آلوده و مسموم، آتش زدن و حرق عمارت و... را مصداق محاربه دانست. (ر.ک. حسین میرمحمد صادقی، جرائم علیه امنیت و... (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

کلمه (اسلحه) مطلق و اعم از سرد و گرم می‌باشد. با این حال گفته شده که، تفسیر مضیق اسلحه گرم را دربر می‌گیرد. (فائل نظر اخیر عباس زراعت، ش.ق.م.ا.ت، ج ۱) (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

از عبارت (و یا هر نوع اسلحه دیگر) فهمیده می‌شود که مقنن چاقو را نیز اسلحه تلقی نموده است و با در نظر گرفتن قید (هر نوع) مطلق اسلحه اعم از سرد و گرم مشمول این ماده می‌باشد. ولیکن باید در نظر داشت که، اسلحه قابلی را دربر نمی‌گیرد. زیرا اساساً به چنین اشیایی عنوان اسلحه اطلاق نمی‌گردد (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

با توجه به تبصره دو ماده ۱۸۳ ق.م.ا. در مواردی که اسلحه کشیدن عمومیت نداشته و عمل ارتكابی فاقد جنبه عمومی باشد و انگیزه مرتکب نیز عداوت شخصی باشد عملش مشمول این ماده می‌باشد والا با جمع شرایط قانونی مصداق محاربه خواهد بود (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

کلمه (اسلحه) مطلق و اعم از سرد و گرم می‌باشد با این حال گفته شده که، تفسیر مضیق اسلحه گرم را دربر می‌گیرد. (فائل نظر اخیر عباس زراعت، ش.ق.م.ا.ت، ج ۱) (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

مقصود از (...و امثال آن ...) مذکور در تبصره هر شی بزنده‌ای نظیر شیشه، بریده آهن، نیزه و غیره می‌باشد و لزومی ندارد که واژه اسلحه بر آن صادق باشد. (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

اسلحه جمع سلاح است و افاده به نوع دارد و لازم نیست که مرتکب چند اسلحه داشته باشد و سلاح نیز چیزی است برای نزاع و جنگیدن و معنا و مفهوم آن از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر متفاوت است و به حکم قانون فرقی در سرد یا گرم بودن آن وجود ندارد و در حال ملاک شناسایی عرف است و اگر عرف چیزی را سلاح بدانند کفایت می‌کند. با توجه به لزوم ترسیدن مردم ظاهراً سلاح باید سلاح ظاهر و در معرض دید باشد و با عنایت به عبارت (دست به اسلحه بردن) و (سلاح کشیدن) برخی معتقدند که نوعان باید سبک و قابل حمل با دست باشد. (برای دیدن نظر اخیر ر.ک. ضیاء‌الدین پیمانی، ج.ک.ا.) ولیکن با در نظر گرفتن تفسیر منطقی و امتناع از تفسیر ادبی به نظر می‌رسد، غرض از دست بردن به سلاح همان تهدید به استفاده و در تصرف داشتن آن است. لذا الزاماً دست بردن به معنای استفاده عملی نمودن از سلاح نمی‌باشد. (همان کتاب، حسین میر محمد صادقی، جرائم علیه امنیت و...) از سوی دیگر اخافه و سلب امنیت با عناصر دیگر برای تحقق جرم کفایت می‌کند و تقلبی بودن اسلحه و با ظاهری واقعی داشتن یا خالی بودن آن مؤثر در مقام نمی‌باشد. (شکری و سیروس، ۱۳۸۱)

۲-۳ مهم‌ترین ضابطه در تعریف سلاح آن است که منظور از سلاح آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن ساخته شده است یا به کار می‌رود، و معنی آن از لحاظ زمان و مکان متغیر است. بدین ترتیب، باید دید که برداشت عرف از واژه (سلاح) یا (اسلحه) چه می‌باشد. به نظر می‌رسد که عرف سلاح را اعم از سرد و گرم می‌داند. مصادیق اسلحه گرم چیزهایی مثل تفنگ، هفت تیر، مسلسل، توپ، تانک و نظایر آنها، و مصادیق اسلحه سرد چیزهایی مانند چاقو، شمشیر، خنجر، نیزه، قمه و نظایر آنها می‌باشد. بدین ترتیب، چیزهایی مثل عصا، سنگ، چوب، تازیانه، ادویه جاتی مثل فلفل، و اعمالی مثل اسید پاشی، آتش زدن یا اخذ به قوه ظاهراً از شمول عنوان اسلحه، و در نتیجه محاربه، خارج می‌گردند. البته، صرف اینکه ابزار خاصی اصالتاً برای کاری غیر از نزاع ساخته شده است لزوماً باعث خروج آن از عنوان سلاح نمی‌شود. بدین ترتیب، مثلاً چه بسا یک ساتور قصابی یا تبر را هم بتوان همانطور که در بالا گفتیم، بویژه با توجه به آئین نامه‌ی سابق الذکر، سلاح سرد محسوب کرد. در قوانین کانادا، سلاح عبارت از هر چیزی دانسته شده است که برای کشتن، مجروح کردن، تهدید کردن و یا ارعاب دیگران ساخته شده یا مورد استفاده قرار گیرد و یا به این نیت‌ها از آن استفاده شود. منظور از سلاح در این ماده نیز، مثل ماده‌ی ۲۷۹ و سایر موادی که در آنها از سلاح نام برده شده است، سلاح واقعی و نه سلاح تقلبی و بدلی است؛ ولی سرد یا گرم و پر یا خالی بودن آن تفاوتی ایجاد نمی‌کند. سلاح اعم از سلاح سرد (مثل چاقوی ضامن دار) یا گرم (مثل تپانچه) و نیز سلاح پر یا خالی و مجاز یا غیر مجاز است. لیکن، اسلحه تقلبی _ مثلاً اسباب بازی کودکان _ را دربر نمی‌گیرد حتی اگر سارق بوسیله‌ی آن صاحب مال را بترساند، زیرا کلمه (سلاح) وقتی بدون پسوند (تقلبی) به کار می‌رود، اشره به سلاح واقعی و نه تقلبی دارد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴)



اسلحه شامل سلاح سرد و گرم می‌شود اما اگر سارق از اسلحه قلابی استفاده کند در مورد صدق عنوان سرقت مسلحانه تردید وجود دارد و احتمال شمول آن قوی‌تر است. مگر اینکه قلابس بودن آن کاملاً آشکار باشد. سلاح معنای عرفی دارد مثلاً چوب هرگاه برای دفاع یا حمله به انسان یا حیوانی ساخته شده باشد و نیز چاقوی ضامن دار، سلاح محسوب می‌شود و در این موارد باید به شکل سلاح و هدف استفاده از آن توجه داشت، بنابراین اگر سارق قبل از شروع به سرقت اسلحه‌ای را بیابد و آن را بردارد با خود حمل کند نمی‌توان سرقت او را سرقت مسلحانه تلقی کرد. (دکتر زراعت، ۱۳۹۲)

۳- مفهوم سلاح باتوجه به مقررات قانونی

مقنن در هیچ قانونی به صراحت تعریفی از سلاح ارائه نداده و در موارد به کار بردن آن صرفاً به ذکر مصادیق به صورت تمثیلی اکتفا نموده است. مهم‌ترین قانونی که در حال حاضر در رابطه با توصیف سلاح وجود دارد قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهارت و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز می‌باشد که مسیر تاریخی را پشت سر نهاده است و نهایتاً آخرین اراده‌ی قانون گذار به موجب قانون مذکور در ۱۳۹۰/۶/۷ به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۲۱ ماده و ۷ تبصره و پنج فصل می‌باشد. آئین نامه ان نیز با شماره ۱۶۲۰۷۹/ت ۴۸۲۰۷ ه در مورخه ۹۱/۱۰/۲۱ حاوی ۵ ماده به تصویب هیات وزیران رسیده است. اختصاراً محتوای به موجب قانون و آئین نامه مذکور به ادوات مشمول این قانون به سه دسته تقسیم بندی شده‌اند: الف- سلاح ب- مهمات ج- احکام و مواد تحت کنترل. سپس هر یک تعریف و مصادیق آن احصا و رفتارهای مجرمانه، مشمول آن بر شمرده شده است. نکته حائز اهمیت در این قانونان است که به موجب ماده ۲ آن که مقرر داشته: «مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله زن و غیر گلوله زنی و مهمات مربوط به آن‌ها است.»

لذا ملاحظه می‌شود که قانون گذار با عبارت "در این قانون" صرفاً ادواتی که برای ارتکاب رفتارهای مشمول قانون مذکور را تعریف نموده و مصادیق آن را احصا داشته است. و با این استدلال و فقدان نقیض قانون بر آن به نظر می‌رسد این قانون با تمامی اوصاف و شرایط آن صرفاً ناظر بر قاچاق حمل و نگهداری سلاح بوده و از لحاظ مفهوم در سایر مقررات قابلیت استناد مستقیم ندارد. چرا که در این صورت مقنن از عباراتی نظیر این قانون و سایر قوانین و... استفاده می‌نمود. لذا تعریفی که ماده ۲ آیین نامه مذکور مبنی بر «سلاح سرد: وسایل، آلات و ادواتی که بر خلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد ننموده‌اند اصابت آن‌ها به بدن منجر به ایجاد پارگی، خونریزی، از کار افتادن موقت یا دائم احضا و نهایتاً آسیب جسمی و روحی یا فوت می‌شود» با استناد به ماده ۱ آئین نامه که مقرر داشته «اصطلاحات به کار رفته در قانون...» را باید حفظ ناظر بر ادوات مذکور در قانون مجازات قاچاق اسلحه و رفتارهای آن دانسته که قابلیت تسری عمومی به سایر مقررات قانون را ندارد. در غیر این صورت از زمان تصویب آئین نامه مذکور اشیائی که مشمول ماده ۲ آن (سلاح سرد) شوند را باید جرم انگاری شده تلقی نموده که این با ظاهر مقصود مقنن و همچنین طرح‌های پیشنهادی بعدی (شماله ۴ این مقاله) منافات دارد. به بیان دیگر چون در سلاح "سرد" خود قانون به کار نرفته لذا تعریفان نیز به طور خاص ناظر بر "سلاح سرد جنگی" و در تکمیل تعریف آن به نظر می‌رسد. در تبصره الحاقی (۱۳۸۷/۸/۲۲) به ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز مشابه وضعیت فوق سلاح با ذکر مصادیق تمثیلی صرفاً ناظر بر بند ۲ ماده مذکور تبیین شده است. بنابراین در هیچ قانونی به طور عام المشمول سلاح تعریف نشده و مصادیق آن نیز احصا نشده است.

۴- طرح الحاق در تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات)

در مرداد ماه ۱۳۹۵ طرحی به نام الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) توسط ۲۲ نفر از نمایندگان محترم مجلس دهم شورای اسلامی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

«مقدمه (دلایل توجیهی): متأسفانه آلات و ادواتی تولید و فروخته و نگهداری می‌شود که جز برای ضرب و جرح و قتل کارایی دیگری ندارد. مانند: قمه، پنجه بوکس، چاقوی ضامن دار و... اکنون حدود نود درصد (۹۰٪) قتل‌های خیابانی توسط افرادی است که چنین ادوات و آلاتی را همراه دارند و ناگهان مرتکب قتل می‌شوند. لذا جهت رفع خلاء قانونی و جلوگیری از تبعات سوء آن، طرح ذیل تقدیم می‌گردد.»



«ماده واحده- تبصره‌های زیر به عنوان تبصره‌های (۱) و (۲) به ماده (۶۱۷) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ الحاق می‌گردد:

تبصره ۱- حمل سلاح سرد غیر متعارف از قبیل قمه، شمشیر، قداره و پنجه بوکس به قصد ارتکاب جرم ممنوع است و چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

تبصره ۲- تولید، خرید، فروش، عرضه و وارد نمودن سلاح سرد غیر متعارف ممنوع است و چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد این سلاح‌ها حسب مورد به عنوان مجازات مرتکب به نفع دولت ضبط و یا معدوم می‌گردند.»

در اجرای ماده ۴ قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۸۹/۳/۲۵ نظر معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی در خصوص این طرح اختصاراً این بوده که این طرح: قبلاً تقدیم نگردید، شرایط شکلی برای طرح رعایت گردیده است، فاقد قوانین متعارض می‌باشد، دارای قوانین مرتبط می‌باشد، قانون گذاری در این موضوع لازم است، به طور کلی با قانون اساسی مغایرت ندارد، با سیاست‌های کلی نظام و سند چشم انداز مغایرت ندارد، با قانون برنامه مغایرت ندارد، اصل ۷۵ قانون اساسی رعایت شده است

این طرح با اصلاحاتی به صورت ذیل پس از رسیدگی در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و به عنوان کمیسیون اصلی تصویب می‌گردد:

«ماده واحده- تبصره‌های زیر به عنوان تبصره‌های (۱) و (۲) به ماده (۶۱۷) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم-تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ الحاق می‌گردد.

تبصره ۱- حمل سلاح سرد شامل قمه، شمشیر، چاقوی ضامن دار، ساطور، قداره یا پنجه بوکس و نیز سایر ادواتی که صرفاً در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح کاربرد دارد جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه شش محکوم حسب مورد، این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معدوم می‌شود.

تبصره ۲- تولید، عرضه یا حمل ادوات موضوع تبصره (۱) در موارد ورزشی، نمایشی، آموزشی و نیاز ضروری اشخاص برای استفاده‌ی شغلی یا دفاع شخصی پس از دریافت مجوز بلامانع است.

نحوه و مرجع صدور مجوز به موجب آئین نامه ای است که ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزرای دادگستری و کشور و با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تهیه می‌شود و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.»

پس از تصویب کمیسیون دو نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز به شرح ذیل پیشنهاد می‌نمایند:

نماینده تبریز - فرهنگی:

۱- پیشنهاد حذف ماده واحده

۲- تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح شود:

تبصره ۱- حمل هرگونه سلاح سرد و ادوات به منظور درگیری فیزیکی و ضرب و جرح جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود.

۳- تبصره (۲) حذف شود.

نماینده اصفهان - حاجی دلیگانی:

۱- تبصره (۱) عبارت «و نیز سایر ادواتی» حذف می‌گردد.

۲- تبصره (۲) کلمه «واردات» بعداز کلمه «تولید» اضافه گردد.

۳- کلمه «و نگهداری» در تبصره‌های (۱) و (۲) بعد از کلمه «حمل» اضافه گردد.



نهایتاً طرح مصوب کمیسیون عیناً در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخه ۹۵/۸/۱۲ به تصویب رسیده و در اجرای اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شورای نگهبان ارسال می‌گردد. ابتدا در مورخه ۹۵/۸/۲۵ توسط شورای نگهبان استمهال و نهایتاً در جلسه مورخه ۹۵/۹/۳ نظر شورا به شرح ذیل اعلام و طرح اعاده می‌گردد:

«در تبصره یک، از آنجا که مشخص نیست عبارت «صرفاً در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح...»، فقط قید سایر ادوات است یا علاوه بر آن قید موارد مذکور در صدر تبصره یک نیز محسوب می‌شود، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.»
اظهارنظر مجامع مشورتی حقوقی و فقهی شورای نگهبان در خصوص این طرح بدین شرح می‌باشد.

نظر مجمع مشورتی فقهی: ((صرف حمل نمودن بعضی از موارد ذکر شده از جمله چاقوی ضامن دار توسط بعضی از افراد مانده دامداران و کشاورزان و یا ساطور برای قصابها خلاف احکام اولیه اسلامی می‌باشد مگر این که بر اساس مصلحت اندیشی و احکام حکومتی و عنوان ثانوی باشد که تشخیص آن بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد.

و اگر ملاک تصویب این تبصره احتمال استفاده از این گونه ادوات در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح می‌باشد این احتمال در ادوات دیگر که صرفاً در درگیری استفاده نمی‌شود از جمله چاقوی ضامن دار نیز جاری است.

البته نظر بعضی از اعضاء این بود که چه بسا تصمیم گیری و تصویب قوانین در این گونه موارد بر اساس مصلحت اندیشی به مجل شورای اسلامی تفویض شده است و نیازی به مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌باشد.))

نظر مجمع مشورتی حقوقی: ((در تبصره «۱» الحاقی به ماده (۶۱۷)، حمل هرگونه «چاقوی ضامن دار» و «ساطور» که بعضاً کاربردهایی مشروع و عقلایی دارند و کاربرد این ادوات صرفاً در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح نیست، به صورت مطلق ممنوع شده است و در ادامه این تبصره نیز هرگونه «واردات»، «تولید» و «عرضه» آن‌ها جرم انگاری شده است. ذکر این نکته لازم است که به موجب منطوق این تبصره، عبارت «سایر ادواتی که» می‌باشد و از این جهت نمی‌توان منظور قانون گذار را تنها آن دسته از چاقوهای ضامن دار و یا ساطورهایی دانست که به منظور درگیری فیزیکی و یا ضرب و جرح ساخته و استفاده می‌شوند. از طرفی، با توجه به تبصره «۲» الحاقی به این ماده، «تولید»، «عرضه» یا «حمل» ادوات موضوع تبصره «۱» تنها در مواردی مجاز دانسته شده است که اولاً هدف از تولید، عرضه یا حمل این ادوات یکی از موارد «ورزشی»، «نمایشی»، «آموزشی» و «نیاز ضروری اشخاص» (صرفاً در خصوص استفاده شغلی یا دفاع شخصی) باشد و ثانیاً شخص مجوز قانونی موضوع ذیل تبصره «۲» را اخذ کرده باشد. بر مبنای مقدمات فوق باید نتیجه گرفت که:

نظر به این که در تبصره «۲» الحاقی، هرگونه «تولید» و «عرضه» ادوات موضوع تبصره «۱» تنها در موارد «ورزشی»، «نمایشی»، «آموزشی» و «نیاز ضروری اشخاص»، و اخذ مجوز قانونی مجاز دانسته شده و منظور قانون گذار از «نیاز ضروری اشخاص»، نیز تنها مربوط به «استفاده شغلی» یا «دفاع شخصی» دانسته شده است؛ بنابراین با تأیید این مصوبه توسط شورای نگهبان عملاً هرگونه عرضه ادواتی همچون «ساطور» که از جمله ی لوازم خانگی می‌باشد، به عموم مردم ممنوع می‌شود و تولید آن نیز تنها در راستا و چارچوب مذکور در این تبصره ممکن خواهد بود. بر این اساس می‌توان گفت که به طور کلی «نیاز» محدود به دو مصداق ذکر شده در این تبصره (برای استفاده شغلی یا دفاع شخصی) نیست و از این جهت اطلاق جرم انگاری تولید، عرضه و حمل ادوات مصرح در تبصره «۱» الحاقی، نسبت به مواردی که کاربرد مشروع و عقلایی دارند محل تأمل است.))

در راستای تأمین نظر شورای نگهبان توسط کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی صرفاً تبصره ۱ به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

((تبصره ۱- حمل ادواتی که صرفاً در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح کاربرد دارد مانده: قمه، شمشیر، چاقوی ضامن دار، ساطور، قداره یا پنجه بوکس جرم محسوب و مرتکب به حداقل مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌گردد. واردات، تولید و عرضه سلاح‌های مذکور ممنوع است و مرتکب به جزای نقدی درجه شش محکوم و حسب مورد، این سلاح‌ها به نفع دولت ضبط یا معدوم می‌شود.))

از مجموع نظریات کارشناسی و بررسی‌های مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به وضوح مشخص می‌شود که این طرح در وضعیت فعلی ممکن است منجر به جرم انگاری تولید، عرضه و حمل ادواتی گردد که بعضاً کاربرد مشروع و عقابیی دارند. هرچند رویکرد پیشگیری در توجیه تصویب این



طرح بر مبنای مصلحت اندیشی و ضرورت غیرقابل انکار است ولی اولاً در مقابل منجر به اختلال عدیده و آشکار در اشتغال و کسب‌های مشروع عده کثیری از کسبه بالاخص صنف چاقوسازان خواهد گردید و ثانیاً این طرح تنها راهکار و روش پیشگیری نمی‌باشد بلکه طرق دیگری از قبیل طرحهایی مبنی بر افزایش میزان مجازات تبصره ماده ۶۱۴ تعزیرات یا اصلاح ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) ناظر بر ماده ۶۷ آن و یا محدودیت حمل سلاح سرد در محلها و مناسبتهای خاص نیز ممکن بنظر می‌رسد. مضافاً ادوات بکارگیری شده در نزاع و درگیری‌ها منحصر به طرح پیشنهادی نبوده و این طرح فقط قسم اندکی از آنها را شامل می‌شود. در حقیقت اگر تصویب این طرح منجر به کاهش اندکی از آمار درگیری و نزاع‌ها گردد به موازات آن سبب افزایش جمعیت مجرمین و به تبع آن پرونده‌های کیفری به لحاظ جرم انگاری جدید خواهد شد و در عین حال این رویه بطور قطعی منتج به از ممانعت حاملین سلاح سرد برای ارتکاب نزاع و درگیری نمی‌شود. با عنایت به اینکه در زمان تحریر این مقاله مصوبه دوم (اصلاحی پس از اعاده شورای نگهبان) توسط مجلس شورای اسلامی تصویب نگردیده است لذا پیشنهاد می‌شود مشابه مبنای پیشنهاد نماینده محترم تبریز حداقل اطلاق بیان مقنن در این طرح برای تبیین رفتار مجرمانه به صورت مقید به قید قصد و منظور بکارگیری در درگیری فیزیکی و ضرب و جرح گردد، که معادل جرم انگاری مستقل عملیات و اقدامات مقدماتی برای جرائم خاصی محسوب می‌شود. در این میان نگاهی به آمار ارائه شده توسط سایت همشهری آنلاین مفید بنظر می‌رسد:

((براساس آمار، در ایالات متحده، دست کم به ازای هر ۱۰۰ نفر ۹۰ اسلحه شخصی وجود دارد که بالاترین رقم در جهان است و از دومین کشور در این سیاهه یعنی یمن که ۵۵ تفنگ شخصی به ازای هر ۱۰۰ نفر در آن هست، فاصله زیادی دارد. سوئیس با ۴۶ اسلحه به ازای هر ۱۰۰ نفر بالاترین آمار را در اروپا دارد.

در ایالات متحده از هر ۱۰۰ هزار تن جمعیت، ۲,۹ نفر با تفنگ کشته می‌شوند. این آماری است که دفتر سازمان ملل در زمینه مواد مخدر و جنایت در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده است، اما همین آمار نشان می‌دهد که آمریکا بدترین نیست، بلکه هندوراس با رقم ۶۸,۴۳ مقام اول را در این زمینه دارد. ایالات متحده را می‌توان با همسایه‌اش کانادا مقایسه کرد که شمار کشته شدگان با اسلحه در آن ۰,۵۱ نفر در هر ۱۰۰ هزار تن است. همچنین می‌توان تفاوت آشکار این رقم را با آمار کشورهای اروپایی نظیر فرانسه با ۰,۰۶، انگلستان و ولز با ۰,۰۷، و آلمان با ۰,۱۹ (سنجید.)

بحث و نتیجه گیری

اختلاف در مفهوم سلاح و تعیین مصادیق آن صرفاً منحصر به حقوق کیفری ایران نبوده و در فقه نیز این وضعیت مشاهده می‌شود. بین فقها با استناد به ادله روایی سه دیدگاه فقهی در خصوص سلاح وجود دارد، فقه‌های مشهور هر گروه و نظر ایشان بدین شرح است: ۱- امام خمینی (ره) و شیخ حر عاملی، سلاح را محدود به سلاح آهنین، مثل شمشیر، نیزه، قمه، خنجر و چاقو، کرده‌اند و وسایلی چون چوب و سنگ و تازیانه را از شمول آن خارج دانسته‌اند. ۲- شهید ثانی، استفاده از سنگ و چوب و عصا و تازیانه و امثال آنها را برای تحقق محاربه کافی دانسته‌اند. ۳- علامه حلی بصورت موسع تر مطلق اخذ بقوه و به کار بردن زور و قهر و غلبه حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی را کافی می‌داند. (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴)

در حقوق کیفری ایران به لحاظ فقدان نص صریح و منابع اصلی قابل استناد، بنظر می‌رسد در خصوص مفهوم سلاح و بررسی مصادیق آن باید ابتدا هدف از ساخت اشیاء را مدنظر قرار داد. اگر هدف اولیه از ساخت آن عرفاً برای بکارگیری عمده در نزاع و درگیری بوده است (هرچند ندرتاً در حالت غیرمنزاعه و به عنوان ابزار بکار رود) بصورت قدر متیقن باید آنرا اسلحه تلقی و در غیر اینصورت با تفسیر مضیق و به نفع متهم ناگزیر به سلاح محسوب نشدن آن باید حکم نمود. سلاح را می‌توان به این صورت تعریف نمود: «ادواتی که هدف از ساخت آنها عرفاً بکارگیری در منازعه بوده و عمدتاً برای انتفاع در نزاع و درگیری بکار می‌روند». قابلیت بکارگیری در منازعه باید هنگام بکارگیری اسلحه توسط متهم نیز همچنان موجود باشد؛ لذا تفنگ معیوبی که قادر به شلیک نمی‌باشد، از مصادیق سلاح نمی‌باشند. نزاع و درگیری انحصاراً مختص به رقیب انسانی نبوده و شامل درگیری با حیوان را نیز می‌شود (مانند چماق). مقصود از ساخت نیز صرفاً قالب اولیه اشیا نبوده و ایجاد تغییر در ساختار فقط به هدف بکارگیری در منازعه را هم شامل می‌شود؛ مانند شکستن بطری شیشه‌ای جهت بهره برداری در درگیری.

با اعمال این نظر در تقسیم بندی اشیا مذکور در مقدمه پژوهش حاضر این نتیجه حاصل می‌گردد که صرفاً گروه اول آن سلاح محسوب می‌شوند. یعنی ادواتی که دارای قابلیت انتفاع جنگی بوده و عمدتاً (بطور شایع) در نزاع و درگیری بکار می‌روند، مثل هر نوع تفنگی که با هر نیروی (باروت، گاز، هوا) مسلح شود، شمشیر، قمه، قداره، لوازم بکارگیری شده در ورزشهای رزمی مانند نانچیکو و چماق، مواد منفجره، شوکرها و افشانه‌های اشک



آور یا بطور کلی ادوات مذکور در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰، سلاح محسوب می‌شوند و دو گروه دیگر شامل اشیائی که مشترکاً هم در نزاع و درگیری و هم در استفاده روزمره به عنوان ابزار کار قابلیت استفاده را دارند مثل: چاقو، تبر، ساطور، چکش، شعله آتش؛ و به طریق اولی (قیاس اولویت) نیز اشیائی که عمدتاً به عنوان ابزار کار و استفاده روزمره استفاده شده و نیز ندرتاً ممکن است به منظور نزاع و درگیری نیز بکار برده شوند. مثل خودرو، ظروف، تیغه موکت‌بری، قیچی را ذاتاً نمی‌توان سلاح تلقی نمود.

شایان ذکر است تقسیمات فوق‌الذکر بصورت مطلق با مرز کاملاً معین نبوده و در موارد متعدد قانونی (مانند بند پ ماده ۴۷ و مواد ۶۱۴ و ۶۱۷ ق.م.ا) چاقو معادل سلاح معرفی شده است که در این رابطه ناگزیر باید قائل به تفکیک بود؛ چراکه چاقو خود دارای انواع مختلفی بوده حسب ظواهر ساختاری هدف اولیه برخی از آنها صرفاً برای بکارگیری در نزاع می‌باشد که تأکیداً چنین چاقوی های نامتعارفی غالباً بکارگیری در درگیری می‌باشد و باید سلاح تلقی شوند؛ بنابراین چاقوهای معروف به آشپزخانه و قلم تراش که عمدتاً و بجز موارد معدود کاربرد ابزاری را دارا می‌باشند از دامنه شمول سلاح خارج می‌شوند. لذا مذاقه و بررسی مصادیق تصریح شده در قوانین شرط مقدماتی برای تعیین مصادیق سلاح می‌باشد، که در این حالت هر بحثی مغایر مصادیق صریح قانونی اجتهاد در مقابل نص لحاظ گردیده و صحیح نخواهد بود.

در وضعیت مقررات فعلی، سلاح محسوب شدن سبب (اقوی از مباشر) مانند بکارگیری حیوانات وحشی درنده یا گزنده به لحاظ عدم دلالت اسلحه بر توسل به حیوان، بعید بنظر می‌رسد.

در اکثر جرائم سلاح محسوب نشدن برخی از اشیاء موجب براءة مطلق متهم از ارتکاب جرم نبوده و عمدتاً سبب تغییر وصف مجرمانه می‌گردد. بر مبنای اعمال برخی قواعد حقوق جزا به ویژه اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها و نتایج متفرع از آن (تفسیر مضیق و به نفع متهم) و قاعده دراء و لحاظ اختیار قضات در تعیین میزان مجازاتهای تعزیری ناظر بر مواردی از قبیل شیوه ارتکاب جرم، بکارگیری اشیائی که طبق معیار فوق‌الذکر سلاح محسوب نشوند را می‌توان حسب تشخیص دادگاه از موجبات تشدید در میزان مجازات (تا حداکثر قانونی) نسبت به سایر موارد لحاظ داشت.

حسب واگذاری تفسیر عرفی مفهوم و مصادیق سلاح به لحاظ تفاوت کاربرد اشیاء در مکانها و زمانهای متفاوت و نیز فقدان نص صریح قانونی در این خصوص، اختلاف نظرها در رابطه با موضوع پژوهش همواره وجود داشته و ادامه خواهد یافت. به عنوان راه حل اساسی پیشنهاد می‌شود قانونگذار با تصویب مقررات جدید در صدد تعریف جامعی از سلاح با ذکر شرایط و مصادیق انحصاری آن برآید. طرح الحاق دو تبصره به ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات) نیز در وضعیت فعلی، کماکان واجد ابهامات مذکور در این پژوهش بوده و به لحاظ اجمال موجب اختلاف در استنباط حقوقدانان و فقهاء بنظر می‌رسد.



منابع:

۱. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۴) جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سی ام، تهران، نشر میزان
۲. میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۴) جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ چهل و ششم، تهران، نشر میزان
۳. رضا شکری / قادر سیروس، (۱۳۸۷)، قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی، چاپ هفتم، تهران، نشر مهاجر.
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۳)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، نشر گنج دانش.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۹)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ سوم، تهران، نشر گنج دانش.
۶. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۲)، محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر مجد.
۷. زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر ققنوس.
۸. زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر ققنوس.
۹. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی (جلد سوم)، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
۱۰. بندرریگی، محمد (۱۳۷۵) ترجمه منجد الطلاب، (چاپ ۱۲)، نشر اسلامی
۱۱. زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، شرح لمعه دمشقیه، ترجمه اسد الله لطفی، نشر مجد، ۱۳۸۹
۱۲. شیروانی، علی؛ عباسی، محمدمسعود (۱۳۹۱). ترجمه و تبیین شرح اللمعه شهیدثانی. (چاپ هشتم)، قم، نشر دارالعلم
۱۳. الصافی، الشیخ لطف الله. هدایه العباد. جلد دوم
۱۴. العلامه الحلی. نهایت الإحکام. جلد دوم
۱۵. محقق اردبیلی. مجمع فائده البرهان، تحقیق اشتهاردی، عراقی و یزدی، ج ۱۳، الناشر جامعه المدرسین
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيله، جلد دوم
۱۷. سایت Hamshahrionline.ir